

اثبات رخداد‌های سبکی با استفاده از آمار استنباطی (مطالعه موردی: تشبیهات حروفی در سبک عراقی)

دکتر مرتضی حیدری*
استادیار دانشگاه پیام نور

چکیده

سبک‌شناسی با مطالعه بسامدها سر و کار دارد؛ از همین رو، به کارگیری تحلیل‌های آماری در ارزیابی‌های سبک‌شناسانه بسیار سودمند است. از آنجا که آمارهای توصیفی، همیشه نمی‌توانند نوسان‌های سبکی را توضیح دهند، استفاده از روش‌های آمار استنباطی از دقت علمی بالایی در ارزیابی پدیدارهای سبکی برخوردار خواهد بود. سبک‌سنجی، اصطلاحی است که برای پژوهش‌های سبک‌شناسانه مرتبط با رایانه وضع شده است. در مقاله حاضر، نگارنده می‌کوشد رابطه میان فشردگی زاویه ساختمان تشبیه در شعر سبک عراقی را با بسامد انواع تشبیهات حروفی از لحاظ ساختمان در دیوان شاعران این سبک با توجه به گذار زمان، ارزیابی کند. از همین رو، با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون در نرم‌افزار رایانه‌ای SPSS به تحلیل استنباطی آمارها می‌پردازد. با توجه به نتایج کمی برآمده از نرم‌افزار SPSS که گویای ضریب همبستگی ۰/۵۷۰ و سطح معناداری ۰/۰۰۴ در تبیین رابطه میان متغیرها (فشردگی زاویه تشبیه و بسامد تشبیهات حروفی) است و مقایسه این اعداد با شاخص‌های تعریف شده برای ضریب همبستگی (دامنه میان +۱ و -۱) و سطح معناداری (کوچک‌تر از ۰/۰۱ تا ۰/۰۵)، رابطه مثبت و مستقیم میان متغیرها تأیید می‌شود؛ به زبان سبک‌شناسی، یعنی فشردگی زاویه تشبیه و خیالی‌تر شدن آن در شعر سبک عراقی به معنای افزایش بسامد تشبیهات حروفی دارای ساختمان بسته‌تر و خیالی‌تر بوده و این رخداد سبکی از هنجارهای مسلط بر سبک دوره پیروی کرده است.

کلیدواژه‌ها: سبک‌شناسی، تشبیهات حروفی، آمار استنباطی، SPSS، سبک عراقی.

۱ - مقدمه

به آسانی نمی‌توان سبک و دانش سبک‌شناسی را توصیف کرد؛ به‌ویژه با گسترش دانش زبان‌شناسی، تحلیل گفتمان و نقد ادبی، رویکردهای گوناگونی درباره مفهوم، مشخصه‌ها و کاربرد سبک‌شناسی به وجود آمده است. «رمی دِ گورمنت (Remy de Gourmont) می‌گوید، تعریف کردن سبک به همان اندازه دشوار است که ریختن یک کیسه آرد در یک انگشتانه.» (Cudden, ۱۹۹۹: ۸۷۲).^۱ «رویکردهای گوناگونی که به سبک‌شناسی وجود دارد، متأثر از دانش زبان‌شناسی و نقد ادبی است. ... سبک‌شناسی دانشی است که به توصیف ویژگی‌های شکلی یک اثر و آن‌گاه رابطه این ویژگی‌ها با تفسیر اثر می‌پردازد» (Davis & Elder, ۲۰۰۴: ۳۳۱).^۲

«تحلیل و ارزیابی سبک یک اثر، شامل سنجیدن گزینش‌های واژگانی نویسنده، آرایه‌ها و شگردهای بلاغی او، شکل جملات و پاراگراف‌های او و هر شیوه‌ای است که او زبان را به کار می‌گیرد» (Cudden, ۱۹۹۹: ۸۷۲). مشخصه‌های سبکی یک اثر ادبی، همان مشخصه‌هایی هستند که آفریدگار آن را متمایز می‌کنند. اثر هنری، جهانی نوپیدا است و هر آنچه که دست‌فروشد هنرمندان دیگر شده باشد، ویژگی سبکی متمایز آن به شمار نمی‌رود. اصطلاح سبک دوره‌ای در مطالعات ادبی، بیشتر برای نگارش تاریخ ادبی یک دوره مناسب است. مولانا می‌گوید: «از قرآن بوی خدا می‌آید و از حدیث بوی مصطفی می‌آید و از کلام ما بوی ما می‌آید» (افلاکی، ۱۳۶۲: ۴۵۸). «سبک، آن‌گونه که بوفون (Buffon) آن را تعبیر می‌کند، خود فرد [نویسنده] است.» (Cudden, ۱۹۹۹: ۸۷۲). «بدون تردید، ریشه هر مشخصه سبکی یک نویسنده، باید در خود او باشد.» (Smith, ۱۹۲۵: X).^۳

گرچه بسیاری از نظریه‌پردازان و منتقدان ادبی بر ویژگی‌های خاص یک اثر ادبی در پژوهش‌های سبک‌شناسانه خود تأکید می‌کنند، اما «بررسی سبک‌شناختی وقتی کاملاً مفید فایده است که به صورت زمینه بزرگ (macro context) باشد.» (شمیسا، ۱۳۸۶: ۹۲). یافتن عناصر متداوم و متکرر در آثار ادبی شاعران دوره‌های مختلف، پژوهش‌گر را در رسیدن به هنجارهای سبکی دوره‌های ادبی یاری می‌کند؛ در نتیجه، ارزیابی هنجارگریزی‌ها (deviation from the norms) و نوآوری‌های هر شاعر (سبک فردی)، نیز بی‌نیاز از ویژگی‌های سبکی یک دوره ادبی نیست. «سبک ادبی، شیوه به کار بردن قراردادهای هنری، پرده برداشتن از زمینه اثر، به تصویر کشیدن شخصیت، پیرنگ یک‌دست و پرورده شده و همچنین شیوه‌ای است که نویسنده این سه‌گانه‌ها را به کار می‌گیرد.» (Lamarque, ۲۰۰۹: ۱۰۴). «بررسی نوین سبک، یعنی سبک‌شناسی از بلاغت کلاسیک سرچشمه می‌گیرد. ... بیشتر می‌توان آن را در حوزه بلاغت جای داد.» (Bolinger, ۱۹۷۵: ۶۰۰). «بخشی از مشخصات سبکی شعرا و نویسندگان از استعمال صنایع لفظی یا معنوی پدیدار می‌شود.» (بهار، ۱۳۸۹: ج ۱: ز). «اروین پانوفسکی» (Erwin Panofsky) اعتقاد دارد که سبک یک اثر ادبی یا هنری را می‌توان به ازای ارزش ادبی و هنری آن تعیین کرد. (در عبادیان، ۱۳۷۲: ۱۸).

«ابزارهای بلاغی، شماری از سازه‌های سبکی هستند که زبان را بیشتر در معنایی غیرلفظی به کار می‌برند» (Klarer, ۲۰۰۴: ۱۴۸؛ Bussmann, ۲۰۰۶: ۳۵۶). تحلیل سبک ادبی و به‌ویژه سبک شعر بیشتر بر تحلیل‌های بلاغی مکتبی است (فتوحی، ۱۳۹۱: ۱۰۴).^۴ شاعر نگرش ویژه‌ای به پدیدارهای پیرامون خود دارد؛ این نگرش ویژه با برقرار کردن رابطه‌ای نو میان واژگان فرسوده یا واژگان برساخته شاعر تصویر می‌شود. زبان شاعر، بازتابی از کاوش‌های جوشان روان اوست. از میان ابزارهای بلاغی شاعران، بی‌گمان تشبیه و آرایه‌هایی که برآمده از روش تشبیه هستند، کاربردی‌ترین شگرد تصویرسازی آنان است. «ارسطو، تشبیه را یکی از عناصر سبک‌ساز می‌دانست که با استعاره اندک تفاوتی دارد» (Habib, ۲۰۰۵: ۷۶). شاید ارسطو قدیم‌ترین کسی باشد که به جنبه‌های تأثیری زبان اندیشیده است (Malmkjær, ۲۰۰۲: ۴۴۹). «سبک‌شناسی ادبی بدون واکاوی عناصر بلاغی و زبان مجازی از متن تهی‌دست بیرون می‌آید.» (فتوحی، ۱۳۹۱: ۲۸).

تشبیهات حروفی، تشبیهاتی هستند که کیفیت نگارشی، ترکیبی و تصویری حروف الفبا در ساختمان آن‌ها به کار گرفته می‌شود. این تشبیهات که مقدار معتناهی از سروده‌های شاعران را در بر گرفته‌اند، از زیباترین و بدیع‌ترین اشعار زبان فارسی، نیز به شمار می‌روند.

۱-۱ بیان مسأله

به تقریب، اثباتی‌ترین روش تحلیل گزاره‌های سبکی، استفاده از روش‌های آمار استنباطی است که تاکنون در ادبیات فارسی کاربردی نداشته است؛ از این رو، نگارنده در پژوهش حاضر همبستگی بسامد انواع تشبیهات حروفی دیوان هر یک از شاعران سبک عراقی را با روند فشردگی ساختمان تشبیه در این سبک با استفاده از روش‌های آمار استنباطی در گذار زمان ارزیابی می‌کند.

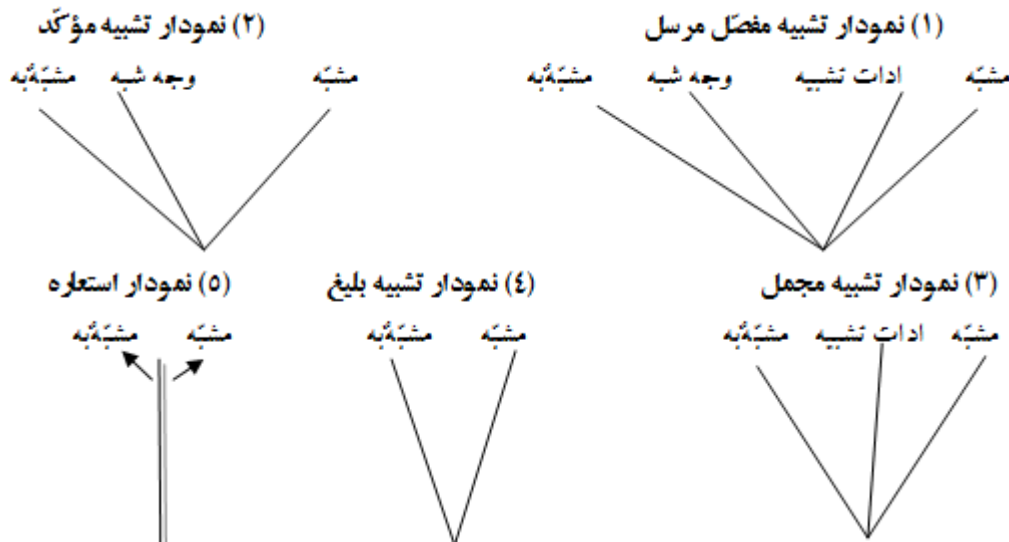
۱-۲ نوع، روش و چارچوب نظری پژوهش

پژوهش حاضر از نوع پژوهش‌های کاربردی است؛ بدین معنی که از برنامه‌های رایانه‌ای (spss) و تحلیل‌های آماری در مطالعه سبک‌شناختی تشبیهات حروفی بهره می‌گیرد.^۵ روش پژوهش، روشی تاریخی است؛ جامعه آماری (population) این پژوهش، دیوان شاعران سبک عراقی را تا پایان این قرن شامل می‌شود. سیزده شاعر نامدار این قرن و همه تشبیهات حروفی آنان به شیوه نمونه‌گیری کل (total sampling) گزینش شده‌اند. نخست، همه اشعار دارای تشبیهات حروفی یک شاعر آورده شده، آن‌گاه نوع و تعداد این تشبیهات بر پایه مفصل، مؤکد، مجمل، بلیغ و یا استعاره بودن در جدولی مشخص شده است. آمارهای به دست آمده از جدول‌های سیزده‌گانه در جدول پایانی گردآوری شده است. از آنجا که «یکی از شاخصه‌های مهم سبک، مسأله تکرار و تداوم ... است» (فتوحی، ۱۳۹۱: ۴۸)، نگارنده کوشیده از جدول آماری خود برای تحلیل سبک‌شناختی تشبیهات حروفی استفاده کند. «در سبک‌شناسی آماری ... تنها تکرارهایی ارزش سبک‌شناختی دارند که در تحلیل سبک، معنادار و نقش‌مند باشند.» (همان، ۱۶۹). «ظاهراً اولین روشی که میزان تکرار یک مسخه سبکی را تأیید می‌کند، همین روش [روش آماری] است؛ گاه این کار یک

شناخت واقعی از سبک را به ارمغان می‌آورد و گاهی هم با اجرای این گونه بررسی‌ها بی‌اساس بودن نظریه‌های موجود درباره سبک یک دوره یا یک نویسنده خاص برملا می‌شود» (همان، ۱۶۸). بهره‌گیری از روش‌های آماری و رایانه‌ای را در پژوهش‌های سبک‌شناسی، «سبک‌سنجی» (stylometry) می‌گویند. «برخی از سبک‌شناسان، روش‌های محسوس قابل تعیینی را با بهره‌گیری از منابع تکنولوژیک و رو به رشد رایانه‌ای در پژوهش‌های خود به کار می‌گیرند. ... سبک‌سنجی، مقادیر کمی ویژگی‌های سبکی را مطالعه می‌کند.» (Abrams, ۲۰۰۸: ۴۶۰; Crystal, ۲۰۰۹: ۳۵۴ & Harpham).

برای تعیین متغیرهای مستقل و وابسته و سرانجام، ارائه فرضیه پژوهش، آشنا شدن با جایگاه تشبیه در سبک عراقی، سنجه‌ای گریزناپذیر است. در سبک خراسانی طبیعت زنده و واقعی بر بینش هنری شاعران چیره است ... و شعر دوره سامانی و غزنوی، شعر تشبیه است. اما در سبک عراقی، اندیشه‌های علمی و عرفانی و فلسفی بن‌مایه‌های شعری را می‌سازد؛ شعر، معناگراتر و پوشیده‌تر می‌شود و توجه به بدیع و بیان فزونی می‌یابد و شاعران به هنرهای گوناگونی که هرگز در شعر سبک خراسانی وجود نداشت، دست می‌یابند؛ مانند ایهام و گونه‌های آن (شمیسا، ۱۳۹۱: ۲۴۸، ۱۳۲). «هر هنرمند، هر قدر در تشبیه خود از زمینه واقعیت فراتر رود، توانایی او بر خلق خیال و پیوند تصویرها بیشتر خواهد بود» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۶: ۷۵). تصاویر برآمده از رابطه میان مشبه و مشبه‌به در شعر فارسی گوپای آن است که ساختمان تشبیه رو به فشردگی داشته و چیرگی بسامد تشبیهات گسترده در نخستین دوره‌های شعر فارسی، در روزگاران بعد به سود تشبیهات فشرده و استعاره رنگ باخته است. (ر. ک. شفیعی کدکنی، ۱۳۸۶: ۴۰۸، ۴۱۶، ۴۳۳، ۴۷۹). «درست است که شاعران و نویسندگان، همه از تشبیه بهره می‌برند و ساختمان تشبیه، همیشه و در تمام انواع تشبیه بر همان چهار رکن اصلی استوار است، اما نگرش و ذهنیات فردی در گزینش طرفین تشبیه، وجه شبه و نحوه ترکیب چهار رکن تأثیر می‌گذارد و سبب گونه‌گونی سبک‌های تشبیهی می‌شود» (فتوحی، ۱۳۹۱: ۳۰۷). با توجه به مشخصه‌های سبک عراقی، درمی‌یابیم که ساختمان تشبیهات در سروده‌های شاعران این سبک بسیار بسته می‌شود و سرانجام به استعاره می‌رسد. «سبک، اساساً مستلزم گزینش است» (وردانک، ۱۳۸۸: ۲۱) و گزینش‌های سبکی، معنادار هستند؛ از این رو، بسته‌تر شدن ساختمان تشبیه در سبک عراقی به معنای فشرده‌تر شدن تخیل شاعران است. در اشکال زیر، میزان گشودگی زاویه تشبیه در سبک عراقی در گذار زمان نشان داده شده است؛ هر چه از شاعران نخستین این سبک دورتر می‌شویم، فشردگی ساختمان تشبیه بیشتر می‌شود و به تشبیه مجمل و استعاره می‌رسد. با توجه به این که «سبک‌شناسی بحث در لغت و دستور و صنایع نیست، بلکه به نحوه کاربرد آن‌ها در سبک‌ها توجه دارد» (شمیسا، ۱۳۹۱: ۱۷۳)، فشرده شدن زاویه تشبیه تا رسیدن به مرز استعاره از مشخصه‌های دوره‌ای سبک عراقی به شمار می‌رود. در زبان انگلیسی، تشبیهی را که ادات شبه (مثل، مانند و همچون) از ساختمان آن حذف

شده باشد، استعاره می‌گویند. (ر.ک: ۳۳: ۲۰۰۴؛ Klarer, ۲۰۰۶: ۳۸۹; Quinn, ۲۰۰۶). «تشبیه و استعاره در سبک‌شناسی آرایه‌های بلاغی، بیشترین بسامد را دارند.» (Klarer, ۲۰۰۴: ۳۲). نورثروپ فرای (Northrop Frye)، بنیان استعاره را بر اساس این‌همانی (identity) و بنیان تشبیه را بر اساس همانندی (likeness) می‌داند. (Hart, ۲۰۰۵: ۱۷۲). در نمودار شماره ۵، دو سوی اصلی تشبیه (مشبه و مشبه‌به) چنان به یکدیگر نزدیک شده که به این‌همانی رسیده است. «در تشبیه مقایسه بین دو چیز آشکار است و از همین رو آزادی تفسیری کمتری به خواننده می‌دهد، اما در استعاره آزادی تفسیری بیشتری برای خواننده وجود دارد، زیرا استعاره از بافتی که در آن روی می‌دهد، متأثر می‌شود.» (Black, ۲۰۰۶: ۱۰۹). از آنجا که استعاره، پایانه فشرده‌گی زاویه تشبیه و برآمده از آن است، در این پژوهش، از واحدهای چندگانه ساختمان تشبیه به شمار رفته است.



۱-۳ - پیشینه و اهمیت پژوهش

جدی‌ترین پژوهشی که در زمینه نگرش‌های الفبایی شاعرانه، تاکنون انجام پذیرفته، رساله کارشناسی ارشد «مرتضی حیدری» در دانشکده ادبیات فارسی و زبان‌های خارجی دانشگاه علامه طباطبایی است که با عنوان «تشبیهات حروفی (نگرش حروفی) در دیوان شاعران تا قرن هشتم هجری» تألیف شده است. نویسنده رساله در فصل اول، «اندیشه‌های حروفی در طول تاریخ» را بررسی کرده و فصل دوم را به «گزارش ابیات دربردارنده نگرش‌های حروفی در دیوان شاعران» اختصاص داده است. رویکرد حیدری در گزارش ابیات حروفی، نقد بلاغی سروده‌های شاعران بوده،

اما از آنجا که پرسش و فرضیه مشخصی را دنبال نکرده، نتیجه‌گیری آن، کلی بوده است. «علیرضا حاجیان‌نژاد»، نیز مقاله‌ای با عنوان «توعی تشبیه در ادب پارسی (تشبیه حروفی)» در مجله دانشکده زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران تألیف کرده که این پژوهش با رویکردی توصیفی و با جامعه آماری بسیار محدود سامان یافته است. «محسن ذوالفقاری» و «علی‌اکبر کمالی‌نهاد»، نیز مقاله‌ای با عنوان «کارکردهای هنری و تصویری حروف در شعر (با تأکید بر شعر خاقانی)» در مجله فنون ادبی منتشر کرده‌اند که این پژوهش هم با رویکردی توصیفی و بی‌بهره از چارچوب نظری به انجام رسیده و نتیجه‌گیری آن، نکته تازه‌ای را به دست نمی‌دهد. مهمترین پژوهشی که بر کاربرد علمی دانش آمار در مطالعات سبک‌شناسی انگشت نهاده و لغزش‌های بسیاری از پژوهش‌گران داخلی را در به کارگیری نادرست داده‌های آماری گوش‌زد کرده، مقاله «نقدی بر کاربرد آمار در پژوهش‌های ادبی با معرفی نرم‌افزار SPSS» است که «علیرضا رعیت حسن آبادی» و «محمد جواد مهدوی» در فصلنامه نقد ادبی نگاشته‌اند.

پژوهش حاضر، نخستین پژوهشی است که داده‌های آماری را به روشی علمی و با بهره‌گیری از نرم‌افزار رایانه‌ای SPSS در سبک‌شناسی به کار می‌گیرد و پژوهشی کاملاً نوین در حوزه مطالعات سبکی به شمار می‌رود. بهره‌گیری از چارچوب نظری استوار و تبیین شده‌ای در همه پژوهش که برآمده از کاوش‌های چندین ساله نگارنده برای دستیابی به روشی علمی و کاربردی در مطالعه سبک‌شناختی تشبیهات حروفی بوده، اصلی‌ترین هدف این پژوهش است.^۶

۱-۴ - پرسش و فرضیه اصلی پژوهش

با توجه به نکته‌هایی که پیرامون مشخصه‌های شعری سبک عراقی، تشبیه و فشردگی ساختمان آن در این سبک گفته شد، پرسش و فرضیه اصلی پژوهش طرح می‌شود:
آیا میان فشردگی ساختمان تشبیه (مفصل، مؤکد، مجمل، بلیغ و استعاره) و توزیع فراوانی گونه‌های تشبیهات حروفی از لحاظ ساختمان در سبک عراقی (از آغاز قرن هفتم تا قرن نهم هجری) رابطه معناداری وجود دارد؟
به نظر می‌رسد، میان فشردگی ساختمان تشبیه و توزیع فراوانی گونه‌های تشبیهات حروفی از لحاظ ساختمان در بازه زمانی قرن هفتم تا نهم، رابطه مثبت و مستقیمی وجود دارد.

۲ - توزیع فراوانی گونه‌های تشبیهات حروفی از لحاظ ساختمان در سبک عراقی

۱-۲- عطار نیشابوری (۶۱۸-۵۳۷): ۱- چه گویم از الف وصل تو که هیچ نداشت/ من این که هیچ نداشت از همه بتر دیدم (عطار، ۱۳۳۹: ۳۶۹) ۲- تو را میان الف است و الف ندارد هیچ/ که من ورای الف هیچ در کمر دیدم (همان، ۳۶۹) ۳- گفتم که دهانت چو الف هیچ ندارد/ گفתי بنگر طره چون نون شده من (همان، ۴۵۰) ۴- زین سر زلفت که هست مملکت جم تو راست/ زانکه سر زلف توست بر صفت جیم و میم (همان، ۴۱۰) ۵- چون سر زلف تو را باد پریشان کند/

جیم در افتد به میم، میم در افتد به جیم(همان) ۶- ماهی که قاف تا قاف از عکس اوست روشن/ چون روی تو بدیده پشتی چو دال کرده(همان. ۴۷۷) قاف تا قاف جهان یکسر بگشت/ کاف کفراز زلف چون نون تو یافت(همان. ۱۷۰) ۷- شرح لب لعلت به زبان می نتوان داد/ وز میم دهان تو نشان می نتوان داد(همان. ۱۷۸) ۸- میم است دهان تو و مویست میانت/کس را خبر از موی میان می نتوان داد(همان. ۱۷۸) ۹- سر دراندازم ز شادی همچو نون/ گر به میم مرحبایی پی برم(همان. ۳۸۳) ۱۰- تا درد تو را خرید عطار/ قدّ الفش بسان نون گشت(همان. ۱۶۶) ۱۱- سر بریده راه رفتن چون قلم/پا و سر افکنده چون نون آمدن(همان: ۴۴۱)

| | |
|------|----------------|
| شما | ساختما |
| رگان | ن تشبیه |
| ۴ | تشبیه مفصل |
| ۱ | تشبیه مؤکّد |
| ۶ | تشبیه مجمل |
| ۶ | تشبیه بلیغ |
| ۰ | استعاره |

۲-۲- مولوی (۶۷۲ - ۶۰۴): ۱- از عشق گردون مؤتلف، بی عشق اختر منخسف/ از عشق گشته دال الف، بی عشق الف چون دالها(مولوی، ۱۳۶۳: ۴۹) ۲- همه خوف آدمی را از درون است/ و لیکن هوش او دایم برون است/ برون را می نوازد همچو یوسف/ درون گرگی ست کو در قصد خون است/ بدرّد زهره او گرنبیند/ درون را کو به زشتی شکل چون است/ الف گشته ست نون، می بایدش ساخت/ که تا گردد الف چیزی که نون است(همان: ۱۶۹) ۳- از لب سلامت ای احد چون برگ بیرون می جهد/ اندازه لب نیست این لطف عامت می کند/ ماه از غمت دونیم شد رخسارهها چون سیم شد/ قدّ الف چون جیم شد وین جیم جامت می کند(همان: ۲۴۰) ۴- الا ای شمع گریان گرم می سوز/ خلاص شمع نزدیک است شد روز/ خلاص شمعها شمعی برآمد/ که بر زنگی ظلمت هاست

پیروز/ نهران شد ظلم و ظلمت‌ها ز خورشید/ نهران گردد الف چون گشت مهموز (همان: ۴۶۹)
 در بیت واپسین شاعر می‌گوید خورشید درخشان تاریکی را کنار زد، سپس در مصرع دوم
 تمثیلی برای استوار داشت کلام خود می‌آورد و می‌گوید هرگاه حرف الف هم همزه بگیرد آن را
 می‌سترنند و علامت همزه را به جای آن می‌نویسند، مانند «ءَ اَنْتَ».

۵- ز آن گوش همچون جیم تو زان چشم همچون صادتو/ ز آن قامت همچون الف ز آن ابروی
 چون نون، خوش (همان: ۴۷۹) ۶- گه راست مانند الف گه کوژ چو حرف مختلف/ یک لحظه پخته
 می‌شوی یک لحظه خامت می‌کنم (همان: ۵۳۴) ۷- درست و راست شد ای دل که در هوا دل را/
 درست و راست نیاید دو نیم باش دو نیم (همان: ۵۳۴) ۸- الف مباش ز ابجد که سرکشی دارد/
 مباش بی دو سر، چو جیم باش چو جیم (همان: ۶۵۸) ۹- تو گوهر شو که خواهند و نخواهد/
 نشانند همه بر تاج زرّین (همان: ۷۰۶) ۱۰- رها کن پس روی چون پای کژمژ/ الف می‌باش فرد و
 راست بنشین (همان: ۷۱۴) ۹- ولیکن عشق کی پنهان شود با شعله سینه/ خصوصاً از دو دیده سیل
 همچون چشمه‌ای جاری/ بس است عزت و دوران ز ذوق عشق پر لذت/ کجا پیدا شود با عشق یا
 تلخی و یا خواری/ اگر چه تو نداری هیچ مانند الف، عشقت/ به صدر حرف‌ها دارد چرا ز آن رو که
 آن داری (همان: ۹۴۴) ۱۰- «حی» نیز اگر هیچ ندارد چو الف، نیز در صورت جیم آمد و جیم است
 مقید (همان: ۱۲۶۳) ۱۱- میم از الف و ها ست مرگب به نبشتن/ ترکیب بود علت برهستی مفرد
 (همان جا) ۱۲- ماه از غمت دو نیم شد رخساره‌ها چون سیم شد/ قدّ الف چون جیم شدوین جیم
 جامت می‌کند (همان: ۲۴۰) ۱۳- خیال ترک من هر شب صفات ذات من گردد که نفی ذات من در
 وی همی اثبات من گردد/ ز حرف عین چشم او، ز ظرف جیم گوش او/ شه شطرنج هفت اختر به
 حرفی مات من گردد (همان: ۲۴۷) ۱۴- ای عاشق و معشوق من در غیر عشق آتش بزن/ چون
 نقطه‌ای در جیم تن چون روشنی بر جام دل (همان: ۵۱۸) ۱۵- قدّ الفم ز مشق چون جیم افتاد/ آن
 سو که تویی حسن دو میم افتاد (همان: ۱۳۸۲) ۱۶- زمین بیسته دهان تا سه مه، که می‌داند؟/ که
 هر زمین به درون در نهران چه‌ها دارد؟/ بهار که بنماید زمین نیشکرت،/ از آن زمین که درون ماش و
 لوبیا دارد/ چرا چو دال دعا، در دعا نمی‌خمد/ کسی که از کرمش قبله دعا دارد (همان: ۳۷۵) ۱۷-
 بخت مرا چو کلک نگون می‌کنی مکن/ پشت مرا چو دال دو تا می‌کنی مکن (همان: ۷۶۹) ۱۸-
 شمس تبریزی که فخر اولیاست/ سین دندان‌هاش یاسین من است (همان: ۲۰۰) ۱۹- مرا واجب
 کند که من برون آیم چو گل از تن/ که عمرم شد به شصت و من چو سین و شین در این شستم
 (همان: ۵۴۹) ۲۰- چو ری با سین و تی و میم پیوست/ بدین پیوند رو بنمود رستم/ یقین شد که
 جماعت رحمت آمد/ جماعت را به جان من چاکرستم (همان: ۵۷۴) ۲۱- من بینم آن را که خود
 نمی‌بینم من/ و ز قند لبش نبات می‌چینم من/ هر چند چوسین میان یاسینم من/ یاسین نهلد می
 که بنشینم من (همان: ۱۴۵۰) ۲۲- به هر جا که روم بی‌تو، یکی حرفیم بی‌معنی/ چو «هی» دو
 چشم بگشادم چو شین در عشق بنشستم (همان: ۵۴۸) ۲۳- بنگی شب نگر که چون داده‌ست/

جمله خلق را از این بنگاب/ چشم در عین و غین افتاده است/ کار بگذشت از سؤال و جواب(همان):
 ۱۶۳) ۲۴- ای غم پر خار رو، در دل غمخوار، رو/ نقل بخیلانهات طعمه خمار نیست/ درّه غین تو
 تنگ، میمت از آن تنگ‌تر/ تنگ متاع تو را عشق خریدار نیست(همان: ۲۱۴) ۲۵- تو دریایی و من
 یک قطره ای جان/ و لیکن جزو را کل می‌توان کرد/ دلم صد پاره شد هر پاره نالان/ که از هر پاره
 بلبل می‌توان کرد/ تو قاف قندی و من لام لب تلخ/ ز قاف و لام ما قل می‌توان کرد(همان: ۲۸۶)
 ۲۶- زود بشو لوح را ز ابجد کاف و نون/ آن گه ای دل بر او نقطه خالش نویس(همان: ۴۷۸) ۲۷- با
 تو چه گویم که تو در غم نان مانده‌ای/ پشت خمی همچو لام تنگ‌دلی همچو کاف(همان: ۵۰۸)
 ۲۸- مرا بررسی که چونی؟ بین که چونم/ خرابم بی‌خودم مست جنونم ۲۹- مرا از کاف و نون آورد
 در دام/ از آن هیبت دوتا چون کاف و نونم(همان: ۵۸۱) ۳- ای دلبر بی‌دلان صوفی/ حاشا که زجان
 بی‌وقوفی/ از هجر دوتا چو لام گشتیم/ دل تنگ ز غم چو کاف کوفی(همان: ۱۰۲۲) ۳۱- ز هر دو
 عالم پهلوی خود تهی کردم/ چو هی نشسته به پهلوی لام اللهم(همان: ۶۵۲) ۳۲- کعبه جان‌ها
 روی ملیحش/ پخته عالم خام افندی/ گر الفی و سابق حرفی/ محو شو اندر لام افندی(همان:
 ۱۱۲۲) ۳۳- چون دیده بر آن عارض چون سیم افتاد/ جان در لب تو چو دیده میم افتاد/ نمرود
 صفت ز دیدگان رفت دلم/ در آتش سودای براهیم افتاد(همان: ۱۳۶۹) ۳۴- یونسی دیدم نشسته بر
 لب دریای عشق/ گفتمش چونی؟ جوابم داد بر قانون خویش/ گفت بودم اندر این دریا غذای
 ماهیی/ پس چو حرف نون خمیدم تا شدم ذوالنون خویش(همان: ۴۸۸) ۳۵- گر فقیری کوس تمّ
 الفقر فهو الله بزن/ ور فقیهی پاک باش از آنها لایفقهن/ گر چو نونی در رکوع و چون قلم اندر
 سجود/ پس تو چون نون و قلم پیوند با مایسظرون(همان: ۷۳۳)

| شما | ساختما |
|------|---------------|
| رگان | ن تشبیه |
| ۲۱ | تشبیه مفصل |
| ۵ | تشبیه مؤکد |
| ۸ | تشبیه مجمل |
| ۱۵ | تشبیه بلیغ |
| ۳ | استعاره |

۲-۳ - فخرالدین عراقی (۶۸۸ - ۶۱۰): ۱- کنون که با تو شدم راست چون الف یکتا/ ز بار محنت پشتم دوتا چون نون کردی (فخرالدین عراقی، بی تا: ۲۷۳)

| شما رگان | ساخته ان تشبیه |
|-------------|-------------------|
| ۲ | تشبیه مفصل |
| ۰ | تشبیه مؤکد |
| ۰ | تشبیه مجمل |
| ۰ | تشبیه بلیغ |
| ۰ | استعار ه |

۲-۴ - سعدی شیرازی (۶۹۲ - ۶۰۶): ۱- آفتاب است آن پری رخ یا ملایک یا بشر؟/ قامت است آن یا قیامت یا الف یا نی شکر؟ (سعدی، ۱۳۸۳: ۴۸۵) ۲- به آب زر نتواند کشید چون تو الف/ به سیم حل ننویسد مثال ثغر تو سین (همان: ۷۳۳)

| شما | ساخ |
|------|---------------|
| رگان | تمان تشبیه |
| ۰ | تشبیه مفصل |
| ۰ | تشبیه مؤکد |
| ۲ | تشبیه مجمل |
| ۱ | تشبیه بلیغ |
| ۰ | استعا ره |

۲-۵- سیف فرغانی (۷۴۹؟ و ۷۰۵؟ - ۴): ۱- پس آمده ز کتب، بوده پیشوای همه/ چنان که حرف الف هست پیشوای حروف (سیف فرغانی، ۱۳۶۴: ۲۱) ۲- شد ربت تو بیشتر اندر حساب حس/ همچون الف، اگرچه چو یا واپسین تویی (همان: ۲۶) ۳- ز اشک پنهان الف تر چو لحاف ابر است/ بالش نقطه که افتاده به زیر سر بیست (همان: ۲۹) ۴- چون ترازو ز پی عدل در این کار آن است/ که به جز راستی او را چو الف چیزی نیست (همان: ۳۰) ۵- راستی را چو الف هیچ نداری زین ذوق/ گر تو را مکنت شین است و تو را ثروت تی ست (همان: ۳۰) ۶- ور نقطه سر از الف تن جدا شود/ یرون منه ز دایره پرگاروار پای (همان: ۱۶۲) ۷- وی الفقدی که بی وصل توام / حرف با تشدید هجران یافت مدّ (همان: ۲۶۱) ۸- الفقدی و زلف تا پای تو/ شکن در شکن چون سر سین شده (همان: ۲۸۹) ۹- شد محقق که بسان الف نسخ، قدی ست/ پست؛ با قامت تو سرو سهی بالا را (همان: ۷۳۸) ۱۰- به مدح، دایره روی او اگر نقطه است/ عجب مدان که دهان همچو دال بگشاید (همان: ۱۳۴) ۱۱- حلاوت در لب لعل تو دایم/ چو شین در شهد و سین اندر سلام است (همان: ۷۷۸) ۱۲- ز امر گن اندر گلستان خلق/ بدانی چه برگ آورد شاخ کاف (همان: ۴۹) ۱۳- غم تو در

دل چون چشم میم من پنهان / چنان که پنهان در گفته‌های اندیشه (همان: ۳۳)
 ۱۴- های هو نون انانیت ما را خصم است محو کن حتم جدل ز آنکه نه این جای مری‌ست.
 (همان: ۳۱)

| شما رگان | ساختما ن تشبیه |
|-------------|-------------------|
| ۱۱ | تشبیه مفصل |
| ۰ | تشبیه مؤکد |
| ۰ | تشبیه مجمل |
| ۷ | تشبیه بلیغ |
| ۴ | استعاره |

۲-۶- همام تبریزی (۷۱۴؟ یا ۷۱۳؟ - ۶۳۶): ۱- به شکل دال دولت پشت اقبال / فراق
 شمس دین امسال بشکست (همام تبریزی، ۱۳۷۰: ۱۶۸) این بیت در مرثیه «شمس الدین صاحب
 دیوان» سروده شده است.

| شما رگان | ساختمان ن تشبیه |
|-------------|--------------------|
| ۱ | تشبیه مفصل |
| ۰ | تشبیه مؤکد |
| ۰ | تشبیه مجمل |
| ۰ | تشبیه بلیغ |
| ۰ | استعاره |

۲-۷- امیر خسرو دهلوی (۷۲۵ - ۶۵۱): ۱- هر تیر غمزه‌ای که بینداخت بر دلم /
 دل چون الف میانۀ جانش روان گرفت (امیر خسرو دهلوی، ۱۳۴۳: ۱۰۱) ۲- خیال تیر قدش را که
 او از دل گذر دارد / دلم همچون الف هرگز ز جان بیرون نمی‌سازد (همان: ۱۴۴) ۳- از کرشمه لام
 الف کن زلف را بالای خویش / تا از آن بر نام هر مه‌روی نام لا کشند (همان: ۲۰۲) ۴- غمزه‌هایی
 کرد چشمش با دل این نامراد / باز از دال دو زلفم آن الف قد داد یاد (همان: ۲۰۶) ۵- حرف میم آمد
 دهانت هست الف انگشت تو / جز تو کس بر ما چرا انگشت نتواند نهاد؟ (همان: ۲۰۷) ۶- مرا حرف
 نخستین است از جان / سر زلفت که شد چون حلقه جیم (همان: ۳۸۵) ۷- بدان میم دهان زد غنچه
 لافی / به صد رو پیش آن رو منفعل ماند (همان: ۱۷۰) ۸- آن میم دهان داند از ابروی چو نونش /
 نی‌نی که غلط گفتم من دانم و من گویم (همان: ۳۸۰) ۹- از میم دهان و نون ابروت / چشم همه
 نون و میم گشته (همان: ۵۰۳)

| شما | ساختما |
|------|---------------|
| رگان | ن تشبیه |
| ۲ | تشبیه مفصل |
| ۰ | تشبیه مؤکد |
| ۲ | تشبیه مجمل |
| ۱۲ | تشبیه بلیغ |
| ۰ | استعاره |

۲-۸- اوحدی مراغه‌ای (۷۳۸ - ۶۷۱؟): ۱- قامت من چون الف بود از نشاط/ آن الف را دام زلفت لام کرد(اوحدی مراغه‌ای، ۱۳۴۰: ۱۴۶) ۲- زلف تو تن را نوشت سوره نون بر ورق/ قدّ تو دل را نهاد لوح الف در بغل(همان: ۲۵۰) ۳- هرچه نه از پیش الف شد روان/همچو الف بر همه خندیده‌ام(همان: ۲۵۷) ۴- هیچ ندارد الف عاشقان/ هیچ ندارم که نترسیده‌ام(همان) ۵- پیش الف بس که فتادم چو با/ها شدم از بس که بغلتیده‌ام (همان: ۲۵۷) ۶- بوسه زدم پای الف را ولی/دست خودم بود که بوسیده‌ام(همان) ۷- من الف وصلم و جز نام وصل/ هرچه بگفتند بنشنیده‌ام(همان) ۸- چون الف از عشق بگشتم به سر/ و ز سر این عشق نگریدیده‌ام(همان) ۹- چون الف صدر نشین اوحدی‌ست/بی‌سخن او به چه ارزیده‌ام؟ (همان) ۱۰- دل چو در افتاد به حامیم تب/ شربت طاهها و الف لام داد(همان: ۵۳) ۱۱- ای اوحدی بریدن از آن زلف همچو جیم/ دیدی که بر بلای دل خسته دال بود(همان: ۲۰۰) ۱۲- دل چون ببندم در رخس، سرچون کشم؟ کان بی‌وفا/ دام دل من ساخته‌ست آن زلف همچون دال را (همان: ۷۸) ۱۳- دل بسته شد به دام دو زلف چو دال دوست / بر بوی دانه‌ها که بدیدم ز خال دوست(همان: ۱۱۶) ۱۴- میم دهان خود را از من نهان چه کردی؟/ باری نگاه می‌کن در قامت چو نونم(همان: ۲۹۶) ۱۵- آن کمان چرخ یا قوس قزح یا شکل نون/ یا مه نو یا هلال وسمه یا ابروی توست؟(همان: ۱۰۷)

| شما رگان | ساختما ن تشبیه |
|-------------|-------------------|
| ۳ | تشبیه مفصل |
| ۲ | تشبیه مؤکد |
| ۵ | تشبیه مجمل |
| ۹ | تشبیه بلیغ |
| ۳ | استعاره |

۲-۹- خواجوی کرمانی (۷۵۰ - ۶۸۹): ۱- بید طبری را کند از امر تو بلبل/ وصف الف قامت
ممدوده حمرا (خواجوی کرمانی، ۱۳۶۹: ۹۴) ۲- الف قامتم ار زان که به صورت نون است/ کاف و
نون نکته‌ای از حرف معمّای من است(همان: ۲۲۲) ۳- آن زلف همچون دال بین بر کنار دل/ و آن
قدّ چون الف بنگر در میان جان(همان: ۴۸۳) ۴- ای رُخت در نقاب شعر سیاه/ همچو خورشید در
شب دیجور/ عین معتلّ عبهرت مفتوح/ جیم مجرور طره‌ات مکسور(همان: ۴۴۲) ۵- قامتم نون و
دل از غم شده چون حلقه میم/ لیک بر حال دلم جیم سر زلف تو دال(همان: ۲۹۸) ۶- مرا ز لوح
وجود این دو حرف موجودست/ دل شکسته چو جیم و قد خمیده چولام(همان: ۳۰۳) ۷- فتاده
است دلم در میان خون چون واو/ کشیده زلف تو را در کنار جان چون جیم(همان: ۴۶۹) ۸- عقل
کافی را که لوح کاف و نون محفوظ اوست/ در مقام بیخودی طفل دبستان یافتم(همان: ۷۳۱) ۹-
کاف و نون پیش من آن است که خود ممکن نیست/ مگر آن زلف چو کاف و خم ابروی چو نون
(همان: ۳۱۶) ۱۰- محقق نشود سرّ کاف و نون، خواجو/ مگر ز زلف چو کاف و خط سیاه چو نون
(همان: ۴۷۵) ۱۱- نون شد قد همچون الفم بی تو و لیکن/ بر حال پریشانی من زلف تو دال است
(همان: ۲۲۲) ۱۱- چو نون قامتم در مکتب عشق/ ز نوک خامه لامی بر نیاید(همان: ۲۶۱) ۱۲- تو
کلک منشی تقدیر بین بدان خوبی/ نهاده بر سر نون خطّ تو نقطه خال(همان: ۲۹۷)

| شما | ساختما |
|------|---------------|
| رگان | ن تشبیه |
| ۶ | تشبیه مفصل |
| ۰ | تشبیه مؤکد |
| ۸ | تشبیه مجمل |
| ۱۱ | تشبیه بلیغ |
| ۰ | استعاره |

۲-۱- سلمان ساوجی (۷۷۸ - ۷۰۹): ۱- راست شد چون الف از صحبت این قره عین پشت کوژ فلک پیر که مادرزاد است (سلمان ساوجی، ۱۳۸۲: ۳۵) ۲- راست شکل الفی دارد و صفری بر سر/ شده مرقوم بر این تختۀ اغبر نرگس/ عشر آیات چمن شد به حسابی که نمود/ نقش صفر و الف اصغر و اخضر نرگس (همان: ۱۲۳)

نرگس به الفی مانند شده که صفری بر سر دارد. هر ده آیه قرآن را به عشر تقسیم می‌کردند و نشان می‌نمودند. نرگس ساقه‌ای الفسان دارد که در حساب ابجد برابر یک است؛ گلبرگ‌های نرگس، نیز مانند صفر است که از کنار هم قرار دادن آن دو عدد ۱۰ به دست می‌آید. از همین روی نرگس در میان آیه‌های چمن دهمین آنهاست. در مصرع واپسین مقصود شاعر از آوردن اصغر و اخضر اشاره کردن به رنگ زرد و سبز گلبوته نرگس است.

۳- استوای خطّ رای او اگر بیند الف/ از خجالت زین سبب در پیش دارد سر چو جیم (همان: ۱۵۶) ۴- نرگس از مینا و سیم و زر توگویی جمع کرد/ بر ورق‌های ریاحین شکل جیم و عین و میم (همان: ۱۵۵) ۵- عید من آن که هست خم ابرویش هلال/ بر عین عید ابروی چون نون اوست دال (همان: ۱۳۱) ۶- چون تن لام کند زخم سنانت تن قاف/ چون دل نون شود از شرم سخایت دل عین (همان: ۴۵۸)

زخم سنان ممدوح تن کوه قاف را چون حرف لام می‌خماند و از شرف سخای او دل کوه «اسود العین» چون دل حرف نون تنگ می‌شود. عین به معنی مال و ثروت نیز می‌تواند بود

۷- ز عین نعل براق مواکبت دل قاف/ هزار بار رخنه رخنه شده چون سر سین (همان: ۱۸۸)

۸- سین سلمان را اگر ببیند به جنب کاف کام/ روزگار از کام یک یک برکند دندان سین (همان: ۱۸۵)

۹- ز عشق آن لب همچون میم، مدام از اشک/ زجاج دیده؛ پر از باده ساغری باشد (همان: ۲۹۴)

۱۰- گر ستم دندان نماید در زمان عدل او/ خنجر آتش‌زیانش برکند دندان سین (همان: ۷۳۳)

۱۱- شرم رای تو رخ عین کند چون دل نون/ زخم تیر تو دل قاف کند چون تن لام (همان: ۱۵۰)

۱۲- زیر و زبر چشم تو را بس موزون/ نقاش ازل سه خال زد غالیه گون/ پندار که در شب، فراز عینت/ دو نقطه یا نهاد و یک نقطه نون (همان: ۵۲۶)

| | |
|-------------|-------------------|
| شما رگان | ساختما ن تشبیه |
| ۳ | تشبیه مفصل |
| ۰ | تشبیه مؤکد |
| ۱۰ | تشبیه مجمل |
| ۲ | تشبیه بلیغ |
| ۴ | استعاره |

۲-۱۱- حافظ شیرازی (۷۹۲ - ۷۲۷؟): ۱- قدّ همه دلبران عالم/ پیش الف قدت چو نون باد (حافظ، ۱۳۷۳: ۱۰۷) ۲- نیست بر لوح دلم جز الف قامت دوست/ چه کنم؟ حرف دگر یاد نداد استادم (همان: ۳۱۷) ۴- در خم زلف تو آن خال سیه دانی چیست؟/ نقطه دوده که بر حلقه جیم افتاده‌ست (همان: ۳۷)

| شما | ساخته |
|------|---------------|
| رگان | ان تشبیه |
| ۰ | تشبیه مفصل |
| ۱ | تشبیه مؤکد |
| ۱ | تشبیه مجمل |
| ۲ | تشبیه بلیغ |
| ۰ | استعار ه |

۲-۱۲- کمال خجندی (پس از ۷۹۸ - ؟): ۱- دل بیمار من از دال و الف خالی نیست/ تا قد چون الف و زلف چو دال است او را (خجندی، ۱۳۳۷: ۳) ۲- دهان تو میم است و بالا الف/ خدا آفرید آن دو از بهر ما(همان: ۱۲) ۳- گر الف را حرکت نیست چراست/ الف قدّ تو شیرین حرکات؟ (همان: ۹۶) ۴- گر ببینی دهن تنگ و قد یارکمال/ بوسه ده خواه بگو صفر و الف ده باشد(همان: ۱۱۳) ۵- قامت همچو الف داری و ابروی چو نون/ در تو هر «آنی» که گفتند از پی آن گفته‌اند (همان: ۱۱۵) ۶- عقل گفت ار به حسن «آنی» هست/ آن، قد و ابروی فلان باشد/ این چه جای تأمل است کمال/ الف و نون برای آن باشد(همان: ۱۵۴) ۷- دل فال زد به رندی نام قدت برآمد/ کار صواب باشد هر جا الف برآید(همان: ۱۸۳) ۸- دال زلف و الف قامت و میم دهنش/ هر سه دامنند و به آن صید جهانی چومنش(همان: ۲۲۲) ۹- الف قدّ تو آن روز بزد راه کمال/ که به مکتب الف و بی بنوشت استاد(همان: ۲۴۵) ۱۰- چو همنشین قدت شد دل اضطراب نمود/ ز دل سکون رود ار با الف شود مقرون(همان: ۲۹۹)

هرگاه دل با الف بپیوندند می‌شود: دلا؛ بنابراین سکون حرف لام از بین می‌رود. سکون رفتن از

دل و از واژه دل استخدام دارد.

- ۱۱- قد است آن یا الف یا سرو سیمین/ بگویم راست هم آنی و هم این(همان: ۳۰۷) ۱۲- به رهگذار قد یار دیدم از ناگاه/ کدام قد؟! الفی بود در میانه راه / کدام الف که زلفش الف ندارد هیچ/ به طبع راست از این حرف شد کسی آگاه(همان: ۳۲۶) ۱۳- گر شهادت بنویسم به کج طبعی نفس/ دال خود بر کژی هیأت خود باشد دال(همان: ۲) ۱۴- به هجران جنگها داریم بی زلف و دهان او/ از آن میم و دو دال امروز می باید مدد ما را(همان: ۲۱) ۱۵- ناکرده سر، قلم؛ سر زلفت کجا کشیم/ دال است زلف تو نتوان بی قلم کشید(همان: ۱۴۷) ۱۶- طیب احوال من پرسید گفتم زلف او دال است/ گر اهل حکمت است او را همین یک نکته بس باشد(همان: ۱۸۷)
- آرایه اسلوب الحکیم با زیبایی هر چه تمام تر، بیت را آذین بسته است. آرایه سؤال و جواب نیز دیده می شود. طیب از عاشق می پرسد که چگونه ای؟ عاشق پاسخ می دهد که زلف معشوق چون دال خمیده است؛ یعنی من چنان از خویشتن بی خبرم و فریفته زلف خمیده معشوقم که خود را در میان نمی بینم؛ طیب من زلف اوست که آشفتگی زلفش مرا پریشیده است: «دردم از یار است و درمان نیز هم». ۱۷- برآمد اول خط زلف سرکش تو به فالم/ بشارتی ست به دولت چو حرف دال برآید(همان: ۱۹۶) ۱۸- نیست خالی آن خیال زلف چون دال از درون/ نیست بیرون آن دهان تنگ چون میم از(همان: ۲۰۳) ۱۹- زلف تو خواهم به تفأل گرفت/ دال گرفتند مبارک به فال(همان: ۲۳۹) ۲۰- ز آن سر زلف و دهان دل خون شده است/ خون شود چون دال پیوندد به میم(همان: ۲۸۵) ۲۱- هرگز نکشیدم آن سر زلف بخم / چون دال به دست خویش آلا به قلم(همان: ۳۹۳) ۲۲- تا ابروی تو نون و دهانت میم است/ چشمم ز خیال هر دو باشد پر نم(همان: ۳۹۳) ۲۳- عاشقان در مکتب بر لام و بی/ کرده دندان تیز همچون سین همه(همان: ۳۲۴) ۲۴- قاف قد و نون ابروانت/ برتر ز تبارک است و نون است (همان: ۵۰) ۲۵- با عین عطایم تهی دست/ چون چشمه میم پهلوی یم(همان: ۳۷۷) ۲۶- دید نقش دهند دل، به رخت فال گشاد/ بس ملامت کشد از عشق تو چون آید میم(همان: ۲۶۵) ۲۷- دیده تا میم دهان و نون ابروی تو دید/ نقش آن بستم به دل چون بود هر دو نقش من(همان: ۳۰۳) ۲۸- تا ابروی تو نون و دهان چون میم است/ چشمم ز خیال هر دو باشد پر نم(همان: ۳۹۳) ۲۹- دهانش به ابرو به چشم من است/ چو میمی که در پیش نون آمده است(همان: ۹۱) ۳۰- همین که نقش دهانش چو میم بندد چشم/ خیال ابروی او پیش من چو نون آید(همان: ۱۶۸) ۳۱- در نماز عشق پیش قبله رخسار تو/ سوره نون خواندم ابروی توام آمد به یاد(همان: ۱۸۶) ۳۲- تفسیر دو ابروی تو کان سوره نون است/ پیوسته به محراب نگوییم چه گوئیم؟(همان: ۲۶۱) ۳۳- فزون ز ماه نو است ابروت به صد خوبی/ که صد بود چو بگیرند در حساب دو نون(همان: ۲۹۹) در حساب ابجد نون برابر با پنجاه است؛ از همین روی دو ابروی یار صد حسن بیشتر از هلال ماه دارد(همان: ۲۹۹) ۳۴- چو یاد آید آن ابروان در نمازم/ نخوانم به محراب جز سوره نون(همان: ۳۰۵).

| شما رگان | ساختما ن تشبیه |
|-------------|-------------------|
| ۵ | تشبیه مفصل |
| ۰ | تشبیه مؤکد |
| ۷ | تشبیه مجمل |
| ۳۵ | تشبیه بلیغ |
| ۱ | استعاره |

۲-۱۳- شاه نعمت الله ولی (۸۳۴ - ۷۳۰): ۱- دیگران گوشمال مال خوردند/ عارفان گوش مال را مالند/ عارفان مجرد مفرد/ چون الف فرد و دال ابدالند(شاه نعمت الله، ۲۵۳۵: ۳۰۱) ۲- سه نقطه جمع شد الف گردید/ ذات و فعل و صفت به یک جا شد(همان، ۷۳۱) سه نقطه ای که پیدایش الف را بنیان بوده اند، به ذات و فعل و صفت خدا تشبیه شده اند. ۳- ماه جان است این الف به یقین/ بیست و هشتش منازل اینها شد(همان جا) ۴- نور رویش به چشم ما بنمود/ چون بدیدیم نور او او بود/ احدی آمده کمر بسته/ میم احمد به تخت بنشسته(همان، ۷۸۱) ۵- ما بین دو عین، راست از نون تا میم/ بینی الفی کشیده بر صفحه سیم (همان، ۹۴۸)

| شما رگان | ساختمان تشبیه |
|-------------|------------------|
| ۱ | تشبیه مفصل |
| ۱ | تشبیه مؤکد |
| ۰ | تشبیه مجمل |
| ۱ | تشبیه بلیغ |
| ۴ | استعاره |

جدول توزیع فراوانی نمونه‌های تشبیهات حرفی از لحاظ ساختمان در سبک عراقی

| استعاره | تشبیه بلیغ | تشبیه مجمعل | تشبیه مؤکد | تشبیه مفصل | ساختمان تشبیه شاعران سبک عراقی |
|---------|---------------|----------------|---------------|---------------|-----------------------------------|
| ۰ | ۶ | ۶ | ۱ | ۴ | ۱- عطار نیشابوری |
| ۳ | ۱۵ | ۸ | ۵ | ۲۱ | ۲- مولوی |
| ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۲ | ۳- فخرالدین عراقی |
| ۰ | ۱ | ۲ | ۰ | ۰ | ۴- سعدی |
| ۴ | ۷ | ۰ | ۰ | ۱۱ | ۵- سیف فرغانی |
| ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۱ | ۶- همصام تبریزی |
| ۰ | ۱۲ | ۲ | ۰ | ۲ | ۷- امیر خسرو دهلوی |
| ۳ | ۹ | ۵ | ۲ | ۳ | ۸- اوسعدی مراغه‌ای |
| ۰ | ۱۱ | ۸ | ۰ | ۶ | ۹- خواجه‌ی کرمانی |
| ۴ | ۲ | ۱۰ | ۰ | ۳ | ۱۰- سلمان ساوجی |
| ۰ | ۲ | ۱ | ۱ | ۰ | ۱۱- حافظ |
| ۱ | ۳۵ | ۷ | ۰ | ۵ | ۱۲- کمال عجمدی |
| ۴ | ۱ | ۰ | ۱ | ۱ | ۱۳- شاه نعمت‌الله ولی |
| ۱۹ | ۱۰۱ | ۴۹ | ۱۰ | ۵۹ | بسامد نمونه‌ها |

۳ - تحلیل ضریب تأثیر بسامد تشبیهات حرفی شاعران سبک عراقی از

فشردگی زاویه تشبیه در سبک عراقی در گذار زمان

اگر بخواهیم بر پایه آمارهای توصیفی به دست آمده از بسامد ساختمان تشبیهات حرفی در دیوان شاعران سبک عراقی به پردازش داده‌ها بپردازیم - چنان‌که متعارف پژوهش‌های آماری در مطالعات سبک‌شناختی است - ناگزیریم رابطه‌ای تخمینی و صد البته متسامحانه را میان بسامد گونه‌ها (۵۹، ۱۰، ۴۹، ۱۰۱ و ۱۹) تجویز کنیم. آشکار است که رابطه‌ای منطقی میان بسامد این گونه‌ها دیده نمی‌شود و ارزیابی آماری توصیفی، نوعی «از سر واکردن» است. روش علمی ارزیابی جدول توزیع فراوانی ساختمان تشبیهات حرفی، بهره‌گیری از روش‌های آمار استنباطی است.

اکنون با توجه به فرضیه مطرح شده، چگونگی ارزیابی رابطه میان متغیرهای مستقل و وابسته گزارش می‌شود.

یکی از کاربردی‌ترین روش‌های ارزیابی همبستگی میان دو متغیر، استفاده از ضریب همبستگی پیرسون در نرم‌افزار SPSS است. پیرسون، بیانگر تطابق الگوی تغییرات یک متغیر با الگوی تغییرات متغیر دیگر است. (بیکر، ۱۳۹۰: ۴۸۹). برای این کار، نخست با توجه به دگردیسی ساختمان تشبیه در سبک عراقی که به آن اشاره شد، فشردگی زاویه تشبیه برای هر کدام از واحد-های ساختمان تشبیه و استعاره از عدد ۱ تا ۵ تعریف می‌شود و متغیر مستقل پژوهش قرار می‌گیرد.

| نوع تشبیه | فشردگی زاویه تشبیه |
|-----------|--------------------|
| مفصل | ۱ |
| مؤکد | ۲ |
| مجمل | ۳ |
| بلیغ | ۴ |
| استعاره | ۵ |

اکنون، توزیع فراوانی تشبیهات حرفی از لحاظ ساختمان، متغیر وابسته پژوهش قرار می‌گیرد؛ یعنی وجود یا عدم رابطه سبکی میان فشردگی زاویه تشبیه (متغیر مستقل) و بسامد ساختمان تشبیهات حرفی دیوان شاعران در گذار زمان (از آغاز قرن هفتم تا قرن نهم) که فرضیه پژوهش است، مورد آزمون قرار می‌گیرد. برای این کار، در نرم‌افزار SPSS در بخش متغیرها، متغیر وابسته با ارزش‌های (values) عددی ۱ تا ۵ برای عنوان‌های (labels) مفصل، مؤکد، مجمل، بلیغ و استعاره تعریف می‌شود، سپس نام شاعران سیزده‌گانه در بخش متغیرها وارد می‌شود و متغیرهای وابسته قرار می‌گیرد. حال در بخش تعریف داده‌ها، اعداد ۱ تا ۵ زیر فشردگی زاویه تشبیه و تعداد هر نوع تشبیه در دیوان هر شاعر زیر نام آن شاعر نوشته می‌شود. نام شاعران به ترتیب زمانی درج می‌شود. در واقع، اعداد ۱ تا ۵، همان واحدهای پنج‌گانه ساختمان تشبیه با تعیین فشردگی هستند. با مراجعه به نوار بالای نرم‌افزار و گزینش تحلیل (analyze)، وارد گزینه همبستگی (correlate) و توزیع دو متغیری (bivariate) شده و در جدول باز شده فشردگی (متغیر

مستقل) و شاعران (متغیر وابسته) اضافه می‌شود. سرانجام با گزینش عنوان پیرسون (pearson) ضریب همبستگی میان متغیرها به شرح زیر ارائه می‌شود:

ضریب همبستگی فشردهی زاویه تشبیه و توزیع فراوانی انواع تشبیهات حرفی از لحاظ ساختمان در سبک عراقی

| نام متغیر | ضریب همبستگی (r) | سطح معناداری (sig) |
|--------------------|------------------|--------------------|
| فشردهی زاویه تشبیه | .۵۷۰ | .۰۰۴ |

مقادیر کمی به دست آمده را باید بر پایه تعاریفی که از چگونگی ارزیابی این اعداد در کتاب-های آمار و منابع پژوهش‌های کمی ارائه شده، سنجید و از آن نتیجه گرفت. ضریب همبستگی پیرسون دارای دامنه شاخص بین ۱- و ۱+ است. (سرمد و دیگران، ۱۳۹۱: ۲۲۲)؛ یعنی در پژوهش حاضر با توجه به ضریب همبستگی به دست آمده (۰/۵۷۰)، ارتباط مثبت و مستقیمی میان فشردهی ساختمان تشبیه و توزیع فراوانی انواع تشبیهات حرفی دیوان شاعران از لحاظ ساختمان در بازه زمانی یاد شده وجود دارد و فرضیه پژوهش اثبات می‌شود. در ارزیابی سبک‌شناسانه از ساختمان تشبیهات حرفی، درمی‌یابیم که با فشرده‌تر شدن زاویه تشبیه در گذار زمان که از هنجارهای دوره‌ای سبک عراقی است، ساختمان تشبیهات حرفی، نیز در دیوان شاعران از این هنجار سبکی پیروی مثبتی کرده و متناسب با آن فشرده‌گی داشته؛ بدین معنی که تأثیر سبک فردی شاعران و گریز از هنجارهای آنان در ساختمان تشبیهات حرفی، کم‌رنگ‌تر و تأثیر سبک دوره‌ای در ساختمان این گونه تشبیهات، بسیار پررنگ‌تر است. درباره گزارش سطح معناداری میان متغیرها، نیز از آنجا که «انتخاب سطوح معناداری ۰/۱ تا ۰/۵، اغلب در بین پژوهش‌گران مرسوم و متداول است» (دلاور، ۱۳۹۰: ۴۹۲)، سطح معناداری به دست آمده (۰/۰۰۴)، کوچک‌تر از ۰/۱ است و بنا بر اصول پژوهش‌های کمی، فرضیه پژوهش تأیید می‌شود.

۴ - نتیجه

بنیان سبک بر تکرار، تداوم و بسامد ویژگی‌هایی استوار شده که سبک‌شناس ناگزیر است در ارزیابی‌های خود فراوانی و دگرگونی آن‌ها را پژوهش کند. سبک فردی، گریز از هنجارهای مرسوم سبک دوره‌ای است که تمایز و تشخیص یک اثر ادبی در میان هم‌تایان خود به یاری مشخصه‌های آن سنجیده می‌شود. بنابراین، سبک‌شناس به ویژگی‌های سبکی یک دوره ادبی برای

مطالعهٔ هنجارهای مسلط و دگرگونی این هنجارها و به ویژگی‌های سبکی فردی برای ارزیابی تمایز هر اثر ادبی نیازمند است. به کارگیری آمار استنباطی در ارزیابی بسامدهای سبکی آثار ادبی نکتهٔ بسیار مهمی است که پژوهش‌گران ایرانی از آن کمتر بهره برده‌اند و ارزیابی‌های سبکی خود را به شیوهٔ آمار توصیفی سامان داده‌اند. از آنجا که مسئلهٔ سبک، مسئلهٔ بسامد است و بسامدهای سبکی دوره‌ای، نیز در بیشتر اوقات روند افزایشی یا کاهش‌ی مشخصی را نشان نمی‌دهند، روش آمار توصیفی دقت علمی لازم را ندارد و نتیجه‌گیری از آن بسیار دشوار است. در این پژوهش، ویژگی‌های مسلط بر شعر سبک عراقی و دگرگونی زاویهٔ ساختمان تشبیه در این سبک، متغیر مستقل و رابطهٔ آن با بسامد ساختمان تشبیهات حروفی هر شاعر، متغیر وابسته تعریف و برای اثبات رابطهٔ میان این دو از ضریب همبستگی پیرسون در نرم‌افزار SPSS استفاده شد که در آمارهای استنباطی روش پرکاربرد است و دقت بالایی دارد. با توجه به ضریب همبستگی و سطح معناداری رابطهٔ میان متغیرها که نرم‌افزار SPSS ارائه کرد، رابطهٔ مثبت و مستقیم میان متغیرها تأیید شد و نتیجهٔ سبکی برآمده از آن، گویای این نکته است که در گذار زمان، پراکندگی ساختمان تشبیهات حروفی در دیوان شاعران سبک عراقی، متأثر از بسته‌تر شدن زاویهٔ ساختمان تشبیه در سبک این دوره (قرن هفتم تا نهم) بوده و از هنجارهای سبک دوره‌ای پیروی کرده است. در واقع، سطح ادبی و خیالین توزیع تشبیهات حروفی در دیوان شاعران سبک عراقی، همان شاخصه‌های کلی ساختمان تشبیه در سبک عراقی را که فشرده‌تر شدن ساختمان تشبیه و گرایش به ساختار استعاره است، منعکس کرده است.

۵ - یادداشت‌ها

۱. دربارهٔ مفهوم لغزان سبک، نیز بنگرید به: (Green and LeBihan, ۱۹۹۹: ۲۱).
۲. برای خواندن گزارشی فراخور از رابطهٔ سبک‌شناسی، زبان‌شناسی و نقد ادبی بنگرید به: Davis; ۱۵۶ _ ۱۵۳:۲۰۰۶; Bishop & Starkey, ۸ _ ۴: ۲۰۰۵; Carter & Simpson, ۳۴۰ _ ۳۲۸: ۲۰۰۴; & Elder.
۳. دربارهٔ فردی بودن سبک، نیز به منابع زیر بنگرید: Coyle, Martin et al. ۱۹۹۳: ۱۷; Johnson, ۱۸۹۸: ۲۶.
۴. دربارهٔ سبک‌شناسی و بلاغت، نیز بنگرید به: Bussmann, ۲۰۰۶: ۱۰۰۸, ۱۱۳۵.
۵. Spss, مخفف Statistical / Software Package for Social Sciences (بستهٔ آماری / نرم‌افزاری برای علوم اجتماعی) است که امروزه در دیگر زمینه‌های پژوهشی، نیز کاربرد فراوانی یافته است.
۶. اطلاعات کتاب‌شناختی رساله و مقاله‌های اشاره شده را در فهرست منابع و مأخذ ببینید.

منابع

- امیر خسرو دهلوی. (۱۳۴۳). دیوان، تصحیح سعید نفیسی. تهران: چاویدان.
- اوحدی مراغه‌ای. (۱۳۴۰). کلیات، تصحیح سعید نفیسی. تهران: امیر کبیر.
- بهار، ملک‌الشعرا. (۱۳۸۹). سبک‌شناسی، ج ۱، چاپ دهم، تهران: امیرکبیر.
- بیکر، ترز ال. (۱۳۹۰). نحوه انجام تحقیقات اجتماعی، ترجمه هوشنگ نایبی. چاپ پنجم، تهران: نی.
- حاجیان‌نژاد، علی‌رضا. (۱۳۸۰). «نوعی تشبیه در ادب فارسی (تشبیه حروفی)». مجله دانشکده زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران. زمستان. صص ۴۰۲ - ۳۸۷.
- حافظ، خواجه شمس‌الدین محمد. (۱۳۷۳). دیوان، تصحیح بهاء‌الدین خرمشاهی. چاپ اول، تهران: نیلوفر.
- حیدری، مرتضی. (۱۳۸۷). «تشبیهات حروفی (نگرش حروفی) در دیوان شاعران تا قرن هشتم هجری». پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده ادبیات فارسی و زبان‌های خارجی دانشگاه علامه طباطبایی تهران.
- خجندی، کمال‌الدین مسعود. (۱۳۳۷). دیوان. تبریز: انتشارات کتابفروشی تهران.
- خواجه‌ی کرمانی. (۱۳۶۹). دیوان، تصحیح احمد سهیلی خوانساری. تهران: شرکت انتشاراتی پاژنگ.
- دلاور، علی. (۱۳۹۰). مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی، چاپ نهم، تهران: انتشارات رشد.
- دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۸۷). لغت‌نامه (لوح فشرده)، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ذوالفقاری، محسن و کمالی‌نهاد، علی‌اکبر. (۱۳۹۲). «کارکردهای هنری و تصویری حروف در شعر (با تأکید بر شعر خاقانی)»، مجله فنون ادبی. ۵ (۲) (پیاپی ۹). پاییز و زمستان. صص ۶۶ - ۴۹.
- رعیت حسن آبادی، علیرضا و مهدوی، محمد جواد. (۱۳۹۲). «نقدی بر کاربرد آمار در پژوهش‌های ادبی با معرفی نرم‌افزار SPSS»، فصلنامه نقد ادبی. ۶ (۲۱). بهار. صص ۲۱۳ - ۱۹۱.
- سرمد، زهره و دیگران. (۱۳۹۱). روش‌های تحقیق در علوم رفتاری، چاپ بیست‌وچهارم، تهران: نشر آگه.
- سعدی، مصلح بن عبدالله. (۱۳۸۳). کلیات، تصحیح محمدعلی فروغی. چاپ چهارم، تهران: نامک.
- سلمان ساوجی. (۱۳۸۲). کلیات، تصحیح دکتر عباسعلی وفایی. چاپ دوم، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- سیف فرغانی، ابوالمحمّد محمد. (۱۳۶۴). دیوان. تصحیح دکتر ذبیح‌الله صفا. چاپ دوم، تهران:

- انتشارات فردوس.
- شاه نعمت‌الله ولی. (۲۵۳۵). کلیات، به سعی دکتر جواد نوربخش. چاپ سوم، بی‌جا: انتشارات خانقاه نعمت‌اللّٰهی.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۸۶). صور خیال در شعر فارسی، چاپ یازدهم، تهران: آگه.
- شمیسا، سیروس. (۱۳۸۶). کلیات سبک‌شناسی، (ویراست دوم)، چاپ دوم، تهران: میترا.
- _____ . (۱۳۹۱). سبک‌شناسی شعر، (ویراست دوم)، چاپ پنجم، تهران: میترا.
- عبادیان، محمود. (۱۳۷۲). درآمدی بر سبک‌شناسی در ادبیات، چاپ دوم، تهران: آوای نور.
- عطّار نیشابوری. (۱۳۳۹). دیوان، تصحیح سعید نفیسی. چاپ سوم، تهران: انتشارات کتابخانه سنایی.
- فتوحی، محمود. (۱۳۹۱). سبک‌شناسی: نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها، چاپ اول، تهران: سخن.
- فخرالدین عراقی، ابراهیم بن بزرجمهر. بی‌تا. کلیات، تصحیح سعید نفیسی. چاپ چهارم، تهران: انتشارات کتابخانه سنایی.
- مولوی، جلال‌الدین محمد. (۱۳۶۲). کلیات شمس، چاپ دهم، تهران: امیرکبیر.
- وردانک، پیتر. (۱۳۸۹). مبانی سبک‌شناسی، ترجمه محمد غفّاری. چاپ اول، تهران: نی.
- همام تبریزی. (۱۳۷۰). دیوان، تصحیح دکتر رشید عیوضی. چاپ دوم، تهران: نشر صدوق.
- Abrams, M.H. and Harpham, Geoffrey Galt. ۲۰۰۹. A Glossary of Literary Terms. Boston: Wadsworth Cengage Learning.
- Bishop, Wendy & Starkey, David. ۲۰۰۶. Keywords in Creative Writing. Utah: Utah State University Press.
- Black, Elizabeth. ۲۰۰۶. Pragmatic Stylistics. Edinburgh: Edinburgh University Press.
- Bolinger, Dwight. ۱۹۷۵. Aspects of Language. (۲nd ned). New York: Harcourt Brace Jovanovich.
- Bussmann, Hadumod. ۲۰۰۶. Routledge Dictionary of Language and Linguistics. translated and edited by Gregory Trauth and Kerstin Kazzazi. London and New York: Routledge. This edition published in the Taylor & Francis e-Library, ۲۰۰۶.
- Carter, Ronald & Simpson, Paul.(eds.). ۲۰۰۵. Language, Discourse and Literature. London & New York: Routledge.
- Coyle, Martin et al. (eds.). ۱۹۹۳. Encyclopedia of Literature and Criticism. Cardiff: University of Wales.
- Crystal, David. ۲۰۰۸. A Dictionary of Linguistics and Phonetics. ۶th Edition, Singapore: Blackwell Publishing.
- Cudden, J. A. ۱۹۹۹. Dictionary of Literary Terms & Literary Theory. Fourth edition. Penguin Books.

- Davis, Alan & Elder, Catherin. (eds.). ۲۰۰۴. The Handbook of Applied Linguistics. UK: Blackwell Publishing Ltd. Education Limited. -
- Green, Keith and LeBihan, Jill. ۱۹۹۶. Critical Theory and Practice. Routledge.:London and New York -
- Habib. M. A. R. ۲۰۰۵. A history of literary criticism: from Plato to the present. First published by Blackwell Publishing Ltd. -
- Hart, Jonathan. ۲۰۰۵. Northrop Frye: the theoretical imagination. London and New York: Routledge. -
- Johnson, Charles F. (۱۸۹). Elements of Litereary Criticism. New York: Harper and Brothers. -
- Klarer, Mario. ۲۰۰۴. An Introduction to Literary Studies. ۲nd edition, London & New York: Routledge. -
- Lamarque, Peter. ۲۰۰۹. The Philisophy of Literature.Singapur: Blackwell Publishing. -
- Malmkjær, Kirsten, (ed.). ۲۰۰۲. The Linguistic Encyclopedia .London and New York: Routledge. -
۲۰۰۶. Dictionary of Literary and Thematic Terms. . Quinn, Edward ۲nd Edition, New York: Facts on File. -
- Smith, Nowell C. N.D. Wordsworth's Literary Criticism. London: Oxford University Press. -
- Tyson, Lois. ۲۰۰۶. Critical Theory Today. (۲ ned.). London & New York: Routledge. -